

متن پرسش

سلام و عرض ادب خدمت استاد گرامی: در میان گذاشتن راه چاره‌ای برای نشان دادن بحران وجودی و گمگشتگی انسان مدرن و بازگشت به خویشستن انسانی انسان‌ها؛ دغدغه بنده است. تبیین اصالت وجود صدرا و حرکت جوهری او به عنوان انقلابی که در عالم فلسفه ایجاد کرد و مسیری که گشود که تا قبل از او حتی ابن سینا نیز نتوانسته بود و مقایسه تطبیقی آن با آراء فیلسوفانی در غرب معاصر که با وجود درک شرایط زمانه و بحران‌های عمیق روحی که انسان مدرن با آن‌ها دست و پنجه نرم می‌کند؛ اما راه حل‌های که ارائه می‌دهند باز هم به بن‌بست می‌رسد و در نهایت نشان برتری برهان صدرا و معرفی آن به عنوان بهترین تبیین از نحوه استکمال عالم و همچنین نفس انسانی که تا کنون گشوده شده؛ حتی برتر از ابن سینا. (یعنی نقش اصالت وجود و حرکت جوهری در شکل‌گیری هویت انسانی انسان) می‌خواستم نظر حضرتعالی را درباره اینکه این مقایسه تطبیقی حرکت جوهری ملاصدرا را با کدامین فلاسفه غربی انجام بدهم، جویا شوم. نظر خودم جان لاک، درک پرفیت، چالمرز، کانت، هایدگر هست. اما مطمئن نیستم چون مطالعه و شناخت بسیار کمی از فلسفه غرب دارم و باید همزمان با انجام پژوهش‌م به درک و شناخت خوبی از آن‌ها و مقایسه تطبیقی عمیق و دقیقی برسم ان‌شاءالله. آیا عنوان «تبیین تطبیقی برتری حرکت جوهری صدرا در شکل‌گیری هویت انسانی در مقایسه با آراء فلاسفه غرب معاصر» برای همین دغدغه‌ای که شرح دادم، عنوان مناسبی است؟ آیا می‌تواند در سطح یک رساله دکتری باشد یا در سطح یک پایان‌نامه مقطع ارشد است؟ و یا هیچ کدام؟ عنوان پیشنهادی شما چیست؟ همچنین ممنون می‌شوم در کل نظر خود را راجع به ضرورت یا عدم ضرورت طرح این بحث و میزان اهمیت این موضوع بفرمایید. ان‌شاءالله حتماً نظر شما بسیار راهگشا خواهد بود.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: توجه به «اصالت وجود» توجه به حضور بیکرانۀ توحید است در نگاه فلسفی و گشودن افقی است تا انسان عین الربط بودن خود را بیابد و این نوع توجه و حضور با هیچ یک از مبناهای فلاسفه غربی تطبیق نمی‌کند هرچند فلسفه غرب بخصوص آنچه با هایدگر و گادامر پیش آمده است، در جای خود حرف‌ها دارد بخصوص در رابطه با «دازاین» و تقرب وجودی انسان که جناب هایدگر متذکر آن است. ولی به هیچ وجه نباید به تطبیق نگاه فلسفه صدرا با موضوعات با نگاه فلاسفه غربی که از کانت شروع شد؛ فکر کرد. زیرا دو نوع حضور است و انسان می‌تواند در هر

کدام حاضر شود. به نظر بنده جایگاه تاریخی فلسفهٔ حکمت متعالیه بعد از مواجهه با کانت و هگل و هایدگر و گادامر بهتر فهمیده می‌شود بدون انکار جایگاه متفکران غربی که نام برده شد. موفق باشید